

## جرم شناسی انتقادی و آموزه های آن در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲

مریم شیر محمدی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی آیت الله آملی، آمل، ایران

### چکیده

توسعه جرم شناسی امروزه سبب شده که در سیاست گذاری های کیفری، آموزه های جرم شناسی به رسمیت شناخته شود چون جرم شناسی یک دانش واقع گرا و واقع بین است از هست ها سخن می گوید، باید نباید نمی کند، آرمان گرا و ایده آلیست نیست، جرم شناسی علمی جدیدتر از حقوق کیفری است اما تاثیرات شگرف و عمیق و تحولات بسیاری در حقوق کیفری کشورها به وجود آورده است. تورم جرایم و نیز قرار دادن ضمانت اجرای حبس برای بیشتر محکومان، موجب ایجاد بحران زندان در حال حاضر شده و تضعیف کارکرد بالینی و اصلاحی زندان نیز بحران فوق را تشدید، همچنین عملکرد ناکار آمد این نظام در زمینه مقابله با پدیده مجرمانه و عدم کارایی راهکارهای جرم شناسی رایج در بحث علت شناختی جرم، بستر مناسبی برای ارائه ی نظریات انتقادی در حوزه جرم شناسی در اعتراض به وضع کنونی جامعه و نهادهای عدالت کیفری را فراهم آورده است. این نظریات منتقد و متعارض در قالب دیدگاه های متعدد و متنوع در درون یک رویکرد منسجم با عنوان جرم شناسی انتقادی در برابر جرم شناسی سنتی و متعارف قرار گرفته اند و ضمن به چالش کشیدن این جرم شناسی و شاخه های سه گانه آن در مبحث علت شناختی جرم از یک زاویه دید متفاوت به این موضوع نگریسته و علل و عوامل اصلی وقوع جرم را نه در شخص مجرم و محیط پیرامون او بلکه در ساختار نابرابر و تبعیض آمیز جامعه جست وجو می کند. در بستر قانون مجازات اسلامی از رهگذر تدوین و تصویب مقررات موجود از جمله توجه جدی به فرایند کیفر زدایی، جرم زدایی و قضا زدایی اصلاح و بهبود عملکرد این نظام از طریق بکارگیری راهکارها و راهبردهای جایگزین در قالب سازوکارهای متعدد و متنوع همچون، جایگزین های مجازات حبس، تعویق صدور حکم مجازات و نظام نیمه آزادی مشروطو همچنین پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و تدریجی کردن مسئولیت کیفری اطفال از آموزه های این جرم شناسی را در بستر خود نشان می دهد.

واژه های کلیدی: جرم شناسی انتقادی، آموزه های جرم شناسی، کیفر زدایی.

**۱- مقدمه**

پدیده مجرمانه با ابعاد و منشا چندگانه اش پیوسته در تقابل با ارزش ها و دستاوردهای نوین بشری بوده و پیشرفت و تکامل همه جانبه جوامع انسانی نه تنها از دامنه آن نکاسته، بلکه بر ابعاد و حجم آن نیز افزوده است. شکست دولت ها و حکومت ها در زمینه مقابله با این پدیده علی رغم هزینه های سرسام آوری که صرف کرده اند و عدم کارایی نظام عدالت کیفری و جهت گیری های خاص آن در این زمینه، همچنین بی عدالتی های اعمال شده در این موارد، زمینه ورود برخی تفکرات و اندیشه های انتقادی را از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی به عرصه جرم شناسی و سیاست جنایی در اعتراض به وضع موجود را فراهم آورد. از این منظر جرم شناسی انتقادی به عنوان رویکردی متشکل از دیدگاهها متنوع و متعدد، با به چالش کشیدن وضع موجود و ساختار نابرابر جامعه و با اتخاذ جایگاهی مخالف نسبت به جرم شناسی کلاسیک و متعارف وارد این عرصه شده و راهکارهای جرم شناسی کلاسیک، که به جای تمرکز بر علت اصلی و واقعی جرم، بیشتر به خود جرم، مجازات و مجرم توجه می کند را زیر سوال برد. از منظر این رویکرد برای مقابله با مشکل جرم باید ریشه ها و علت های آن را دریافت و به دنبال علل و عوامل اصلی وقوع آن گشت و نگاهمان را نسبت به این پدیده و علت های آن تغییر دهیم. در این راستا این جرم-شناسان بر این عقیده اصرار می ورزند که علل اصلی بزهکاری نه در شخص مجرم و فاکتورهای زیست شناختی و شخصیتی او، بلکه در همین ساختار نابرابر جامعه، که ممکن است در مدل‌هایی نظیر اشکال نژاد پرستانه، تبعیضات جنسیتی و یا نابرابری طبقاتی تجلی پیدا کند و نهادینه شود متبلور شده است. فلذا بر تأثیر ساختار اقتصاد سیاسی، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، نژاد و مذهب در شکل گیری جرم، حقوق جزا و نظام عدالت کیفری تأکید می ورزند.

(صفاری، ۱۳۸۳، ص ۵۰۶)

از این منظر این جرم شناسان با به چالش کشیدن ساختار موجود سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می آورد، در پی اصلاح و بهبود شرایط موجود با ارائه راهکارهایی متفاوت از جرم شناسی سنتی هستند. در این زمینه آنان خواهان به اجرا گذاردن سیاست گذاری های کوتاه مدت با هدف توجه به عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز تحلیل جدی عواملی نظیر فقر مزمن، تبعیض جنسی و نبود ساختار صنعتی که افراد جامعه را به سمت ارتکاب جرم سوق می دهند، می باشند. (دیکسردی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷) به علاوه آنان خواستار مقابله با راهکارهای تنبیهی و سرکوبگر نظام کیفری موجود و جایگزینی آن با راهکارهای حمایتی و برنامه های اجتماعی و فلسفی نظیر ایجاد اشتغال، افزایش حداقل دستمزد و نظایر آن و همچنین استفاده از ابزار های رسمی و غیر رسمی کنترل اجتماعی برای کاهش جرم و نیز برقراری عدالت و صلح طلبی که بتواند به صورت یک جامعه ی فراگیر نتیجه بدهد، هستند. راهکارهای موجود در این جرم شناسی دستاوردهای در زمینه حقوق زنان و کودکان، حقوق بشر، قضا دایی، جرم زدایی و کیفرزدایی، تقویت حقوق دفاعی متهم و حقوق بزه دیدگان، حقوق اقلیت های نژادی و قومی، شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و نظایر اینها داشته است که بدون تردید در برخی زمینه ها توانسته است به بهبود کارایی و عملکرد نظام عدالت کیفری کمک مؤثری بنماید.

**۲- مبانی نظری و گونه ها**

در پژوهش پیش رو، روش توصیفی تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. بدین نحو که برای یافتن منابع تحقیق و ارزیابی آنها و برای غنی تر شدن پژوهش از منابع کتابخانه ای و نیز از منابع اینترنتی (مقالات، نشریات و پایگاه های داده حقوقی) استفاده شده است.

**۲-۱- مفهوم جرم شناسی انتقادی**

در دوره ی معاصر بیش از هر دوره ای ما شاهد افزایش بحران های متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مسائل اجتماعی نظیر بیکاری، فقر، جرم، تبعیضات جنسیتی و نژادی، نابرابری ساختاری و نظایر آن در جهان هستیم. اساساً مسأله ی قدرت و چگونگی استفاده از آن در روند شکل گیری این ساختار نابرابر و نیز اعمال تعصبات و تبعیضات ناروا نقش بسزایی ایفا می کند (کرون، ۱۳۹۰، ص ۸۴). کسانی که در نهایت قدرت را در دست می گیرند همین اشخاص خواهند بود که شکل و ماهیت

ساختار جامعه را تعیین خواهند کرد (وایت و هینس، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷). جرم شناسان انتقادی وضعیت موجود سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که زمینه ی ارتکاب جرم را فراهم می آورد را به چالش می کشانند (دیکسردی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). آنها همچنین دعوت به انجام اصلاحات بنیادی و ساختاری اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اصلاحات لازم در نظام عدالت کیفری برای مبارزه و کنترل جرم می کنند. در زمینه ی اصلاح نظام عدالت کیفری ایشان خواهان طراحی و اجرای نظام عدالت کیفری در قالبی نوین هستند و معتقدند که در غیر این صورت نه تنها از گستره ی تعدی و تجاوز به حقوق مردم کاسته نمی شود بلکه افزایش و گسترش کمی و کیفی آنها را نیز در پی دارد (صفاری ۱۳۸۳، ص ۵۲۱)؛ به عبارت دیگر جرم شناسی انتقادی به عنوان یک قلمرو کلی که رویکردها و دورنماهای متنوعی را در خود جمع کرده و جای داده است، (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۷) از زمان ظهور خود در دهه ی ۷۰ در قالب یک جرم شناسی رادیکال یا مارکسیست که مبتنی بر یک تحلیل ماتریالیستی از جرم و عوامل مربوط به آن بود تا به امروز گرایش های متعدد و متنوعی را در درون خود جای داده و همواره در حال گسترش قلمرو مطالعاتی خود در این حوزه می باشد. این جرم شناسی در مبحث علت شناختی جرم، عامدانه قلمرو خود را گسترش داده تا نه تنها ساختار و نیروهای اقتصادی جامعه بلکه نیروهای فرهنگی و ایدئولوژیک آن را نیز شامل شود (کلنوسکی، ۱۳۹۰). بدین ترتیب این جرم شناسان با انتقاد از تعریف رسمی جرم، که دربردارنده ی منافع طبقه ی حاکم جامعه می باشد و اتخاذ یک دیدگاه کلی، با گسترش تعریف جرم نه تنها اعمالی نظیر تبعیض نژادی، جنسیتی، استثمار، نقض حقوق بشر، قاچاق انسان، استثمار، امپریالیسم که پدیده های ضد بشری هستند جرم می-انگارد بلکه هر گونه صدمه و آسیبی را که در اثر شرایط نابرابر اجتماعی به افراد تحمیل می شوند و حقوق اساسی و بنیادی آنها را نقض می کنند در زمره ی جرایم قرار می دهند و خواهان جرم انگاری آنها هستند. در این راستا در یک تعریف فلسفی از جرم به جای تعریف فنی از آن، جرم را رفتاری می دانند که به حقوق بنیادی اشخاصی که از نظر سیاسی تعریف شده اند لطمه بزند و حقوق بنیادین هم حقوقی است که در قانون اساسی و میثاقین حقوق بشر ذکر شده است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱۱).

## ۲-۲- بستر ظهور جرم شناسی انتقادی

جرم شناسی انتقادی در یک بستر رادیکال و متعارض، در اعتراض به وضع موجود و ساختار نابرابر جامعه و نیز انتقاد از عملکرد و نحوه ی رفتار نظام عدالت کیفری که با جهت گیری های خاص خود به تقویت ساختار نابرابر کمک می کند و یک دید مخالف نسبت به جرم شناسی رسمی در راستای علت شناختی جرم، پا به عرصه ی جرم شناسی گذاشت. در حقیقت می توان بستر ظهور و خیزش این جرم شناسی را در اندیشه ها و تفکرات رادیکال و منتقدی که از اواخر دهه ی ۵۰ و اوایل دهه ی ۶۰ میلادی در حال شکل گرفتن بودند، جستجو کرد (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۱۷). به طور کلی از پایان دهه ۶۰-۱۹۵۰ رویکرد کلی به جامعه به عنوان یک اجتماع عام، یکسان و هماهنگ که همه ی اعضای آن نسبت به اهداف مشترک آن توافق و در ایجاد وضع موجود سهمی دارند، دچار دگرگونی عظیمی شد. جامعه دیگر به عنوان یک کل یک دست، همگون و به هم پیوسته معرفی نمی شد بلکه به عنوان یک کل متشکل از گروه-های با علایق مختلف و متعارض با هم نشان داده می شد (وایت و هینس، ۱۳۸۲، ص ۱۴۶). همین دگرگونی زمینه ی ایجاد یک تصویر کلی از جامعه، به عنوان نهادی که دارای بسترهای متفاوت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است را فراهم آورد. در اواخر این دهه فرصت مناسبی برای دیده شدن تبعیضات و نابرابری های متعدد که در اشکال مختلف نژادپرستانه، جنسیتی، طبقاتی و نظایر اینها تجلی پیدا کردند و در پس این ساختار به ظاهر برابر و یکسان از جامعه نهفته شده بودند، فراهم آمد. جامعه در حال آگاه شدن از وجود نابرابری های نژادی، تبعیضات جنسیتی، طبقاتی و حقوق مدنی بود. افراد و جنبش های مردمی، علی الخصوص دانشگاهیان در واکنش به نابرابری های موجود دست به اعتراض زدند و خواهان اعطای قدرت، آزادی و برابری در فرصت های اجتماعی های به گروه هایی همانند زنان، همجنس بازان، سیاه پوستان، اقلیت های قومی و نظایر اینها که در جامعه از قدرت و موقعیت کمتری برخوردار بودند، شدند.

### ۳- رویکرد های حاکم بر جرم شناسی انتقادی

#### ۳-۱- رویکردهای حاکم بر دهه ۱۹۷۰

جرم شناسی انتقادی از زمان ظهور خود در دهه ۷۰ در قالب یک جرم شناسی مارکسیستی تا به امروز گرایش‌های متعدد و متنوعی را در درون خود جای داده و همواره در حال گسترش قلمرو مطالعاتی خود در این حوزه می باشد، طوری که ما امروز شاهد ظهور و گسترش شاخه های متعدد در درون این رویکرد هستیم. در ذیل گرایش های انتقادی حاکم بر دهه ۱۹۷۰ را و سپس گرایش های که از دهه ۱۹۹۰ تاکنون در درون این جرم شناسی تجلی پیدا کرده اند را مورد تحلیل قرار می دهیم.

#### ۳-۲- جرم شناسی مارکسیسم

این جرم شناسی به عنوان یک دیدگاه کلان و انتقادی که کل سیستم عدالت کیفری و نظام حکومتی را زیر سوال می برد، در پی برجسته کردن نابرابری های جامعه طبقاتی و نشان دادن تأثیر این عوامل بر روی تعریف جرم و روند جرم انگاری و همچنین مقابله با جرم و واکنش اجتماعی در این زمینه بود (واپت و هینس، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷).

#### ۳-۳- جرم شناسی های واکنش اجتماعی

این دیدگاه نهاد قانونگذاری کیفری و عدالت کیفری را نه به منزله ی نهادهای قهرآمیز رسمی کنترل اجتماعی بزهکاری و بزهکاران بلکه به مثابه نهادهایی مطالعه می کنند که با ایجاد جرم از گذر قوانین کیفری (جرم انگاری و کیفرگذاری) و اجرا و اعمال آنها نسبت به افراد در واقع عده ای را به منزله ی مجرم محکوم و متصف می کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۲۱). الف - جرم شناسی تعامل گرایی: این جرم-شناسی با تأکید بر فرآیند برچسب زنی و نقش واکنش های اجتماعی در این فرآیند به مطالعه ی کنش های متقابل موجود میان فرد و جامعه می پردازد. فلذا، فرآیندهایی چون فرایندهای گزینشی و غربال پلیسی و قضایی مظنونان و متهمان و نیز نحوه ی اعمال و اجرای واکنش اجتماعی نسبت به محکومان به پدیده ی برچسب زنی می انجامد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۷). ب- جرم شناسی رادیکال: این شاخه از جرم شناسی در پی بررسی نقش جامعه سرمایه داری در تعریف و تبیین و شکل گیری پدیده ی مجرمانه و واکنش های اجتماعی صورت گرفته در این مورد می باشد. از این منظر جرم پیامد خودکامگی دولت ها تلقی می شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۱). پ- بزه دیده شناسی: این رویکرد نیز به عنوان یکی از جدیدترین شاخه های جرم شناسی واکنش اجتماعی، به مطالعه ی نقش بزه دیده در فرآیند کیفری می پردازد. این نظریه با انتقاد از جرم شناسی کلاسیک که بیشتر مجرم را در حیطه ی مطالعات خود مدنظر قرار داده است، خواهان توجه به نقش بزه دیده به عنوان یکی دیگر از کنشگران عدالت کیفری هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۴). ت- جرم شناسی سازمانی: این جرم شناسی به ارزیابی و سنجش عملکرد نهادهای عدالت کیفری از مرحله وضع قانون تا مرحله اجرای حکم می پردازد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۶۵). هدف این پژوهش های سنجشی تعیین نتایج و کارنامه ی اجرا و اعمال یک مجازات معین یا اقدام معین یا اصلاحی در رابطه با تکرار جرم است که از راه آزمایش و تجربه مستقیم انجام می شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰).

#### ۳-۴- جرم شناسی فمینیسم

فمینیسم به عنوان یک جنبش اجتماعی و فکری در سطح جهان، که جایگاه ساختاری زنان را در جامعه بررسی می کند، به دنبال آزادی از تمام قیودی می باشد که آنان را در بند ساخته است و به عنوان یک پشتوانه، برای حقوق زنان با اعتراض نسبت به عدم مساوات جنسیتی در جامعه و با اذعان به یک نوع برابر طلبی در این مورد، خواهان حمایت و دفاع از حقوق زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظایر آن هستند. (عزیززاده، ۱۳۸۷، ص ۳۳)

### ۳-۵- جرم شناسی محکومین

این جرم شناسان با اشاره به آثار مخرب حبس بیان می دارند که زندان ها قادر به وجود آوردن صلح و امنیت و کاهش جرم نبوده و نمی تواند عدالت اجتماعی را گسترش دهد و این نهاد تنها با هدف مجازات و جای دادن زندانیان برپا شده اند و بازپروری زندانیان در آن جایی ندارد (دیکسردی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲).

### ۳-۶- جرم شناسی پست مدرن

در واقعیت امر پست مدرنیسم دوره ی بی اعتمادی، شکایت و عدم اطمینان نسبت به اصول پذیرفته شده و مبانی مورد نظر دوره ی مدرنیته است. (شاملو، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱۹) اساساً پست مدرنیسم ها با به چالش خواندن وضعیت استقرار یافته و گفتمان های موجود در آن، بر روی واژه های حقیقی که در دسترس عموم اعضای جامعه قرار داشته و از آنها به منظور بیان عقاید، باورها و اندیشه های خود استفاده می کنند، تأکید می کند (دیکسردی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰).

### ۳-۷- جرم شناسی واقع گرای چپ

جرم شناسی واقع گرایی چپ به عنوان واکنشی در برابر دو نظریه متعارض موجود در جرم شناسی یعنی جرم شناسی راست نو و جرم شناسی مارکسیستی (وایت و هینس، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵) محسوب می شود که با انتقاد از راهکارهای ارائه شده توسط جناح راست در مبحث قانون و نظم و همچنین برخی از اندیشه های جرم شناسی مارکسیستی، در مقابل آنها جبهه گیری و خود به نوعی سعی در ارائه راهکارهایی که در زمینه مقابله با جرم، بر یک نوع واقع بینی استوار باشند، دارد.

### ۳-۸- جرم شناسی صلح طلب

جرم شناسی صلح طلب، رویکردی است که بر درمان، بازسازی، جایگزینی زندان، میانجیگری و نوعی نگاه عدالت اجتماعی که در آن به همه اشخاص بایستی فرصت های برابر برای موفقیت در زندگی کردن داده شود، تمرکز می نماید (کلنوسکی، ۱۳۹۰)

### ۳-۹- جرم شناسی خبرساز

جرم شناسی خبرساز خواهان حضور جرم شناسان منتقد در رسانه های گروهی از جمله تلویزیون، رادیو، سایت های اینترنتی، روزنامه ها، هفته نامه ها، مجلات و نظایر آن هستند تا رویکردهای انتقادی خودشان را در موضوعات مورد نظر، از جمله موضوعات مرتبط با جرم و عدالت کیفری در میان بگذارند. در این راستا، از جرم شناسان تجددطلب و فعالین حقوق بشر دعوت می کنند که از هر فرصتی به منظور ارائه نظریات، تحقیقات، رویکردها و دیدگاههای خود در رسانه های گروهی با هدف اینکه صدای ایشان شنیده شود، استفاده کنند (دیکسردی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴)

### ۳-۱۰- آسیب اجتماعی شناسی

این دیدگاه به مطالعه ی آسیب ها و صدمات اجتماعی، در یک گستره ی وسیع می پردازد. آسیب شناسان متعرض جرم شناسی، بیان می دارند گستره ی مطالعاتی آن که فقط بر روی جرم تمرکز می کند در زمینه ی آسیب شناسی، بسیار محدود است، در حالی که که صدمات و آسیب های اجتماعی گستره ی وسیعی دارند و جرم تنها یکی از انواع این صدمه ها به شمار می رود (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۲۰).

#### ۴- جرم زدایی

جرم زدایی یعنی «زدودن برچسب و عنوان مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار»<sup>۱</sup> به عبارت دیگر جرم زدایی به عنوان یکی از جلوه های تحدید دامنه حقوق جزا و یکی از طرق مهم مهار نظام عدالت کیفری برای نخستین بار در دهه های شصت و هفتاد میلادی در قالب دفاع اجتماعی نوین مطرح شده، اگرچه قبلاً از آن را نیز اندیشمندانی چون بکاریا با تاکید بر تقلیل شمار جرایم و حذف برخی عناوین مجرمانه و فری با بیان بحث جایگزین های کیفری و گراماتیکا با طرح مفاهیم اقدامات غیر کیفری بجای مجازات این بحث را پیش کشیده بودند.<sup>۲</sup> بنابراین جرم زدایی، روند و سیری است که طی آن، عملی که قبلاً توسط قانونگذار، از سویی نهی و از سوی دیگر برای آن تعیین مجازات گردیده را، غیرقابل مجازات و مباح می گرداند؛ به عبارت دیگر، قانونگذار با توجه به اوضاع و احوال موجود، روحیات و احساسات حاکم بر جوامع، نظر و ایده خود، اعمالی را ممنوع و برای آن تعیین مجازات می کند که ممکن است بنا به علل و شرایطی مجدداً تغییر عقیده داده و ممنوعیت آن را زائل سازد.

قانون گذار در بند الف ماده ۱۰ ق.م.ا با یک استراتژی عقب نشینی مقرر می دارد: «اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.»

جرم زدایی از رهگذر عوامل موجهه جرم می توانست در ق.م.ا ۱۳۹۲ به طور صریح تری پیش بینی شود اما قانون گذار، بر خلاف ق.م.ا ۱۳۷۰ که به طور صریح از این عوامل جرم زدایی کرده بود،<sup>۳</sup> به نظر می رسد این عوامل بیشتر عنوان کیفر زدایی بر آنها صدق می کند، اگرچه به نظر نگارنده این عوامل می تواند جرم زدایی هم محسوب شود. چرا که ما شاهد تحول تدریجی قابل مقایسه جرم زدایی رسمی در پرونده هایی هستیم که در آنها صلاحیت رسمی سیستم عدالت کیفری برای رسیدگی به برخی وضعیتها و رفتارها محدود نشده بلکه فقط بر حسب بعضی خصایص بزهکار یا برخی ویژگی های بزه دیده، مانند سن، جنسیت یا مسئولیت روانی، محدود گردیده است.<sup>۴</sup>

#### ۵- کیفر زدایی

از جمله دستاوردهای دیگر علم جرم شناسی واکنش اجتماعی، کیفرزدایی در قوانین و مقررات کیفری است. کیفر زدایی، عبارت است از جرم زدایی ناقص، در این حالت، یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی جایگزین کیفر می گردد، ولی عمل مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می گردد؛<sup>۵</sup> به عبارت دیگر مفهوم کیفر زدایی شامل کلیه اشکال تراکم زدایی از سیستم کیفری می شود. در این زمینه تغییر وصف یک جرم از «جنایت» به «جنحه» ممکن است به عنوان کیفر زدایی تلقی گردد. این موضوع در مورد کیفر زدایی های سالب آزادی، آنگاه که ضمانت اجراهای دیگری که دارای آثار منفی کمتری یا دارای اثرات جانبی کمتری هستند، مانند جزای نقدی، تعلیق مراقبتی و یا قرارهای خاص دادگاه و اموری از این قبیل نیز صادق است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، ح. ۱۳۷۷. دانشنامه جرم شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش. ص ۷۷

<sup>۲</sup> - غفاری، محمد. ۱۳۸۴. جرم زدایی از جرایم بدون بزه. پایان نامه برای درجه ارشد، دانشگاه غیر انتفاعی مفید قم.

ص ۶

<sup>۳</sup> - بازوند، شهاب. ۱۳۷۹. تحولات نظام کیفری ایران پس از انقلاب در پرتو یافته های جرم شناسی، پایان نامه برای درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس. صص ۲۱-۱۳.

<sup>۴</sup> - مهرا، نسرين. ۱۳۷۶. درآمدی بر جرم زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی. مجله تحقیقات حقوق شماره ۲۱-۲۲. صص ۳۰۵-۳۰۳.

<sup>۵</sup> نجفی ابرند آبادی، علی حسین، هاشم بیگی، پیشین، ص ۷۰

<sup>۶</sup> مهرا، نسرين. ۱۳۷۶. درآمدی بر جرم زدایی، کیفر زدایی و قضا زدایی، پیشین، ۳۰۸.

## ۵-۱- جلوه های تحقق پذیری کیفر زدایی در ق.م.ا

## ۵-۱-۱- کیفر زدایی از رهگذر تخفیف، تبدیل و معافیت از مجازات

پیش بینی سازوکار هایی چون تخفیف، تبدیل یا معافیت از مجازات، تلاشی دیگر در جهت کیفر زدایی است. قانون گذار می تواند در برخی جرایم، نظر به همکاری بزهکار با مقامات تعقیب و دستگاه قضایی در کشف جرم یا معرفی مرتکبان و همدستان، امتیاز های ویژه ای در قالب تخفیف و یا معافیت از مجازات برای او در نظر گیرد. قانون گذار کیفری ایران هم نسبت به این گونه کیفر زدایی غافل نبوده و در کلیات ق.م.ا ۱۳۹۲ آن را پیش بینی کرده است. نمونه بارز آن ماده ۳۷ ق.م.ا است که اینگونه مقرر می دارد: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند». هم چنین ماده ۳۸ قانون مذکور، جهات تخفیف را عنوان نموده و در بند "ب" «همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن» را دلیلی بر تخفیف، یا تبدیل مجازات برای مجرم قرار داده و بدین ترتیب قانون گذار توانسته در راستای کیفر زدایی گامی مثبت بردارد.

مورد دیگر در همین راستا ماده ۳۹ ق.م.ا می باشد که اینگونه مقرر می دارد: «در جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر کند». همانطور که مشاهده می کنید قانون گذار با پیش بینی شرایطی در این ماده از جرایم تعزیری درجه هفت و هشت کیفر زدایی نموده است.

## ۵-۱-۲- کیفر زدایی از رهگذر عوامل سقوط مجازات

عوامل متعددی باعث سقوط اجرای مجازات و زوال آثار محکومیت های کیفری می شوند. برخی از این عوامل در ق.م.ا ۱۳۷۰ پیش بینی شده بودند، برخی نیز در قوانین پیش بینی نشده اند بلکه تنها حقوقدانان هنگام بحث از عوامل سقوط مجازات و زوال محکومیت کیفری به آنها اشاره کرده اند. مجموع این عوامل عبارتند از عفو، نسخ قانون، گذشت شاکی، مرور زمان، توبه، و اعمال قاعده درء. بدین سان فصل یازدهم ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در شش مبحث به عوامل فوق اشاره کرده است. مبحث نخست از فصل یازدهم به عفو عمومی و خصوصی اختصاص دارد (مواد ۹۶-۹۸). در مواد مذکور قلمرو و شرایط عفو را قانون گذار تعیین نموده و در این راستا ممکن است متهمان و محکومان، به دلیل نوع جرم ارتكابی، مشمول سیاست عفو عمومی قرار گیرند و بدین ترتیب از شروع یا اجرای کیفر رهایی یابند.

مبحث دوم به نسخ قانون جزا اشاره دارد (ماده ۹۹). مواد ۱۰۰-۱۰۴ به تفصیل به تاثیر گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت اشاره کرده است<sup>۱</sup>. مرور زمان به عنوان یکی از تاسیسات حقوقی با وجود مخالفت هایی که با آن در شرع اسلام به عمل آمده است، سرانجام در قانون جدید پیش بینی شد (مواد ۱۰۵-۱۱۳). توبه به عنوان یکی از عوامل سقوط دعوای عمومی در مبحث پنجم با احراز شرایطی پذیرفته شده است (مواد ۱۱۴-۱۱۹). هم چنین مبحث ششم در دو ماده به قاعده درء که در قوانین پیشین سابقه ای نداشته، اشاره کرده است (۱۲۰-۱۲۱). افزون بر موارد فوق، موارد دیگری نیز وجود دارد نظیر فوت محکوم علیه، جنون محکوم علیه و ... که در ق.م.ا به آنها اشاره نشده است. ناگفته نماند که عوامل سقوط مجازات هم در حقوق کیفری ماهوی هم در حقوق کیفری شکلی مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. در مبحث ذیل به ترتیب، عوامل فوق را تحت عنوان حبس زدایی مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم.

<sup>۱</sup> قانون گذار می تواند با بهره گیری از شیوه شمارش قانونی جرایم قابل گذشت فهرست کامل این جرایم را در متن قانون مشخص کرده و بدین وسیله برای بزه دیده یا شاکی، نقش ویژه در شروع یا ادامه فرایند کیفری در نظر گیرد.

## ۶- حبس زدایی

یکی دیگر از جلوه های اعتقاد به لزوم محدودیت مداخله در جرم، در سیاست حبس زدایی ظاهر می گردد. پیروان نظریه تعامل گرایی در راستای سیاست عدم مداخله نهادها در مقوله جرم، به جای آنکه موسسات مددکاری را به توانبخشی کجروان تشویق نمایند، بر ضرورت کمترین میزان مداخله در زندگی خصوصی این افراد تاکید می کنند، با این استدلال که هرچه میزان مداخله ی این سازمان ها بیشتر باشد افراد بیشتر بد نام شده و با شدت بیشتری در معرض وارد آمدن بر چسب قرار می گیرند، در نهایت نیز درمان و توانبخشی اجباری و بدون رضایت خود فرد، نتایج مطلوبی در بر نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

لازم به توضیح است که انتقادات مطروحه نسبت به حبس بر دو مبنای نظری<sup>۲</sup> و عملی مطرح شده است. به لحاظ نظری سه انتقاد به مجازات حبس وارد شده است: نخست سلب حقوق و آزادیهای فردی؛ مهمترین مبنای نظری در این زمینه، ضرورت احترام به حقوق و آزادی های فردی است که حبس، موجب سلب بسیاری از آنها می گردد. دوم نادیده گرفتن اصل حداقل مداخله؛ این اصل که اصولی چون حداقلی بودن حقوق جزا از آن نشأت می گیرد، اقتضا دارد که در آخرین مرحله از مجازات استفاده شود، به دلیل آنکه در عرصه حقوق جزا، مجازات مانند اقدامات زیان بار در سایر عرصه هاست که نمی توان از آن استفاده زیادی کرد. حبس با نقض این اصل کلیه شئون زندگی فرد را متاثر ساخته با مداخله بیش از حد، آثار مخربی را به بار می آورد. سوم مشکوک بودن مشروعیت حبس؛ توضیح آن که در عرصه قانون گذاری، نیاز به مشروعیت- بخشی به تدابیر مورد استفاده ظاهر می گردد، بدین معنی که اقدامات قانون گذار در جرم انگاری و توسل به مجازات ها باید مشروع جلوه کند.

از نظر عملی و کارکردی مجازات حبس با انتقاداتی مواجه است که می توان به هزینه زایی<sup>۳</sup> فرهنگ پذیری زندان<sup>۴</sup> آثار منفی جنبی بر خانواده و اطرافیان<sup>۵</sup> و سرانجام برچسب زنی و طرد اجتماعی اشاره کرد. بدین ترتیب تحقیقات جرم شناسی مؤید این واقعیت است که اساسا اجرای مجازات زندان با اندیشه اصلاح و باز پروری بزهکار منافات دارد، زیرا آنچه محرک و انگیزه اصلی برای ارتکاب جرم است تمایلات نفسانی و اندیشه های مجرمانه ای است که خود می تواند بر حسب شخصیت افراد مختلف دارای وجوه گوناگون و اشکال متفاوت باشد.

## ۶-۱- جلوه های تحقق حبس زدایی

## ۶-۱-۱- جانشین های مجازات حبس

مبنای توجه به جانشین های مجازات حبس را می توان در نخستین انتقاداتی یافت که در اواسط سده نوزدهم میلادی نسبت به برتری مجازات زندان بیان شده است. در این عصر روش های درمانی بوجود آمدند که آنها را از سوئی در محیط آزاد تعلیق مراقبتی (انگلو ساکسون) و از سوی دیگر در نهاد های غیر زندان (اردوگاههای کشاوری برای بزرگسالان، کانون اصلاح و تربیت برای خردسالان) می توانست به مرحله اجرا درآید.<sup>۶</sup> در نظام کیفری ما نیز از همان آغاز قانونگذاری جدید بویژه به اینگونه مجازات ها توجه شده است و با پیش بینی نهاد های جایگزین در قوانین کیفری سعی بر آن بوده است که حتی المقدور از زندان های کوتاه مدت اجتناب شود. منتهای مراتب قانونگذاران در طول این مدت تصور واحدی از سیاست جایگزین نداشته اند، به همین دلیل گاه با وقوف به بیهودگی این نوع زندان ها و گاه با مشکلات مواجه با اداره زندان قوانینی وضع کردند که از ضرورت های زمان متاثر بوده است، اما سرانجام در ق.م.ا ۱۳۹۲ رویکرد حبس زدایی به وضوح در متون قانونی آشکار شد.

<sup>۱</sup> سلیمی، ع؛ و داوری، م. ۱۳۸۰. جامعه شناسی کجروی (کتاب اول مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی)، چاپ اول، قم: پژوهشکده ی حوزه و دانشگاه. صص ۶۴۰-۶۳۹.

<sup>۲</sup> برای مطالعه بیشتر رک محتشمی ندا، نظریه تعامل اجتماعی

<sup>۳</sup> نجفی ابرندآبادی، علی حسین «مباحثی در علوم جنایی» صص ۳۸۰.

<sup>۴</sup> محتشمی، ن. ۱۳۹۱. نظریه تعامل گرایی در جرم شناسی و سیاست جنایی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد. صص ۱۸۷-۱۸۴.

<sup>۵</sup> غلامی، حسین، تکرار جرم؛ بررسی جرم شناختی - حقوقی، تهران، چاپ اول، تهران: نشر میزان. ۱۳۸۲، ص ۱۹.

<sup>۶</sup> پیناتل، ژان. ۱۳۶۵. کیفرهای جانشین و جرم شناسی، ترجمه دکتر ع. ح نجفی ابرندآبادی، مجله فصلنامه حق، شماره ۶، ص ۱۷۵.



در قانون مذکور جایگزین های کیفر سالب آزادی، در جهت سیاست فردی کردن کیفر پیش بینی شده اند و به بهترین وجه ممکن، تداعی گر پذیرش یک سیاست جنایی مشارکتی هستند.<sup>۱</sup> علمای جرم شناسی بر مبنای نگرش های علمی به موضوع بزهکار و بزهکاری بر استفاده از مجازات های جایگزین حبس تاکید می کنند و در پی یافتن راه هایی هستند که بزهکار را از جامعه کمتر دور کند. به موجب ماده ۶۴ ق.م.ا مجازات های جایگزین حبس عبارت است از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، تعیین و اجرا می شود. طبق تبصره ماده مذکور دادگاه در ضمن حکم، سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با شرایط و کیفیات مقرر در این ماده را تصریح خواهد کرد. دادگاه نمی تواند به بیش از دو مورد از مجازات های جایگزین حکم دهد. مجازات های اجتماعی جامعه مدار با استقبال قانونگذار در ایران مواجه نشده اند و موانع و مشکلات زیادی در اجرای آن ها وجود دارد.<sup>۲</sup>

محققان و پژوهشگران معتقدند سیاست جنایی فعلی ایران و چهارچوب های راهبردی آن، ظرفیت و شرایط پذیرش و اجرایی ساختن مجازات های جامعه مدار را به صورت فراگیر ندارد.

محققان و پژوهشگران معتقدند سیاست جنایی فعلی ایران و چهارچوب های راهبردی آن، ظرفیت و شرایط پذیرش و اجرایی ساختن مجازات های جامعه مدار را به صورت فراگیر ندارد.

## ۶-۱-۲- نظارت الکترونیکی

نظارت الکترونیکی، تحت مراقبت قرار دادن شخص در محل سکونت یا محل های خاصی است که در حکم دادگاه مشخص می شود. در واقع، نوعی بازداشت در محل سکونت یا محل های خاصی است که از طریق الکترونیک بر اجرای آن نظارت می شود. جهت اجرای نظارت دست بندی شبیه ساعت که دارای فرستنده می باشد به مچ دست یا قوزک پای فرد بازداشت شده بسته می شود و به این وسیله مرکز کنترل، آگاهی پیدا می کند که آیا شخص تحت مراقبت در ساعاتی که قاضی تعیین نموده، در محل مورد نظر حضور دارد یا خیر.<sup>۳</sup>

نظام کنترل یا نظارت الکترونیکی در قوانین و مقررات کیفری سابق در ایران پیشینه ای ندارد، بلکه تدبیر نوی است که به منظور کنترل جرم از اواخر دهه ۱۹۸۰ با هدف اصلاح و درمان مجرمان از یک سو و کاهش هزینه های زندان و جلوگیری از کاهش جرم از سوی دیگر و در پرتو پیدایش تکنولوژی نوین از جمله کامپیوتر و اینترنت میسر شده است و استفاده از آن در کشورهای خارجی در حال گسترش است. این روش که بر مبنای گزارش بن مزون، یکی از نمایندگان مجلس فرانسه، با هدف جلوگیری از افزایش جمعیت زندان ها پیشنهاد شده بود و به موجب قانون ۱۹ دسامبر ۱۹۹۷ فرانسه تصویب گردید، عبارت از خانه نشین کردن شخص با حصول اطمینان از حضور وی در آنجا، به کمک وسایل الکترونیکی می باشد.<sup>۴</sup>

در حقوق ایران شرایط بهره مندی از این تدبیر نوین کیفری مستلزم وجود ویژگی ها و شرایطی در جرم و مجرم است. وفق ماده ۶۲ ق.م.ا به قاضی اجازه صدور حکم به نظام نظارت الکترونیکی، در جرم های تعزیری تا درجه هفت داده شده است. اختیار تعیین «تحت نظارت قرار گرفتن» محکومان با قاضی صادر کننده رای است و همان گونه که در ماده نیز تصریح شده

<sup>۱</sup> برخی از نویسندگان حقوق کیفری خدمات عام المنفعه را شکل صریحی از آموزه های توافقی شدن آیین دادرسی کیفری می دانند. ر. ک: نیازپور، پیشین، ص ۲۷۲.

<sup>۲</sup> ر. ک: منصور آبادی، عباس و سلمان کونانی، بستر مجازات های جامعه مدار، با تاکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۳۸۹، ص ۸.

<sup>۳</sup> نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی، پیشین، ص ۲۸۶.

<sup>۴</sup> خالقی، علی، ۱۳۸۶. قراردادهای آیین دادرسی کیفری. فصلنامه علوم جنایی، شماره ۲، ص ۳۸۳.

است تنها محکومان به حبس می توانند از این نهاد حقوقی ارفاق آمیز برخوردار شوند. بنابر این محکومان به سایر مجازات ها (شلاق، جزای نقدی، تبعید و ...) مشمول تدبیر مذکور قرار نمی گیرند. سیستم نظارت الکترونیک می تواند هم در بزرگسالان و هم در مورد نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد، هر چند ق.م.ا ۱۳۹۲ به صراحت به کارگیری آن را در مورد نوجوانان مورد اشاره قرار نداده است، لیکن به نظر می رسد که در این رابطه منعی در استفاده از این روش در مورد آنان وجود نداشته باشد. در تعویق مراقبتی به موجب ماده ۶۲ ق.م.ا «... دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی محکوم به حبس را... در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه های الکترونیکی قرار دهد». منظور از شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، مواردی است که در ماده ۴۰ تا ۴۲ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. البته بهتر بود قانون گذار، به شرایط دقیق تعویق مراقبتی که بایستی هنگام نظارت الکترونیکی رعایت شود، اشاره می کرد. این گونه احاله کیفری خارج از دقت و قطعیتی است که در حقوق کیفری حاکم است.

علاوه بر فراهم بودن شرایط مقرر، رضایت محکوم علیه نیز برای صدور چنین حکمی لازم است: «... دادگاه می تواند ... محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه های (سیستم های) الکترونیکی قرار دهد». تعیین محدوده زمانی و مکانی از دیگر شرایط و ویژگی های بهره مندی از این نوع سیستم است، در حالت نظارت مفهوم «تحت نظارت قرار دادن» محکوم، در حقوق فرانسه، بیانگر مفهوم محدودیت در زمان و مکان است ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی نیز دادگاه را مکلف کرده است که محدوده زمانی و مکانی نظارت الکترونیکی را مشخص سازد.

### نتیجه گیری

در یک چشم انداز کلی به قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ انعکاس برخی از آموزه های این جرم شناسی مشاهده می کنیم که در برخی از مقوله ها این آموزه ها به طور منسجم و آگاهانه و برای هدفی مشخص و معمولاً تحت تأثیر آموزه های حقوق کیفری بین المللی و گفتمان های جرم شناسی و آکادمیک وارد گستره قانونگذاری شده اند نظیر آنچه که در مورد حقوق کودکان و اشخاص حقوقی یا سازوکارهایی همانند تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق تعقیب و همانند اینها موجود می باشد و در برخی دیگر این مبانی خود به صورت غیرمنسجم مثلاً تحت تأثیر مبانی شرعی و ضروریات جامعه وارد قلمرو قانونگذاری ما شده و نهادینه گردیده اند نظیر آنچه که باعث سقوط مجازات در مقررات شرعی می شوند همانند توبه و انکار یا وطی به شبهه که با وجود شرایطی منجر به کیفرزدایی و دوری از فرایند کیفری می شوند.

در نتیجه دست اندرکاران جنایی کشورمان در گستره مقررات تقنینی خود از رهگذر تصویب مقررات ماهوی از جمله قانون جدید مجازات اسلامی، تحت تاثیر تحولات جرم شناختی و کیفرشناختی موجود توجه ویژه ای به استفاده از دستاوردهای نوین جرم شناختی از جمله آموزه های جرم شناسی انتقادی در راستای کنترل و مهار پدیده مجرمانه نشان داده است که این خود یک گام مثبت و رو به جلویی قلمداد می شود. در این راستا این قانون با به رسمیت شناختن سازوکارهایی از جمله جرم زدایی، قضازدایی و کیفرزدایی از رهگذر شناسایی نهادهایی همانند تعلیق کیفر، نهادهای جایگزین حبس، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و نظایر اینها که به نوعی به تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و دوری از فرایند کیفری کمک موثری می نمایند، در راستای اصلاح نظام عدالت کیفری برآمده است. علاوه بر این با پیشبینی یک سیستم دادرسی افتراقی برای کودکان نوجوان علاوه بر اینکه به تعیین واکنش کیفری مناسب نسبت به کودکان معارض با قانون، در مقایسه با بزرگسالان بزهکار پرداخته، با ارائه راهکارهای ویژه ای درصدد حمایت از کودکان بزه دیده برآمده، در این راستا مقنن سعی کرده اولاً حمایت کیفری افتراقی (ویژه) از اطفال را با تشدید مجازات بزهکارانی که اطفال را قربانی اعمال مجرمانه خود قرار داده اند را مد نظر قرار دهد و ثانیاً با جرم انگاری برخی رفتارهای خاص که حقوق ویژه آنها را در معرض خطر قرار می دهند در صد حمایت از حقوق آنها برآید. علاوه بر این مقنن در این قانون با به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، از آموزه حقوقی غالب مبنی بر پذیرش اصل عام بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تبعیت نموده و بدین طریق اشخاص حقوقی را از لحاظ شمول مسئولیت کیفری همانند اشخاص حقیقی تلقی نموده است و از این رهگذر برای آنها مسئولیت کیفری را وضع نموده است.

همچنین این قانون تحت تاثیر این تحولات و فشارهای بین‌المللی در زمینه رعایت حقوق بشر در مقایسه با سایر قوانین بعد از انقلاب، رویه مثبت تری را نسبت به حقوق زنان اتخاذ کرده است و تحولات و نوآوری‌هایی را در زمینه افزایش سن مسئولیت دختران، حذف سنگسار، جمع نکردن دیه جراحات اعضای متعدد برای ملاک رسیدن به ثلث دیه کامل و عدم تفاوت زن و مرد در محاسبه ارش، گسترش دایره مجازات تجاوز جنسی داشته است. ولی کماکان نارسایی‌هایی که مبتنی بر تبعیض جنسی در خصوص قصاص، دیه، قتل در فراش، قتل فرزند توسط پدر یا مادر، شهادت و اتیان قسامه وجود داشته، به قوت خود باقی مانده اند. در زمینه حمایت از حقوق اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی در گستره قلمرو ماهوی نیز، کماکان نیازمند نوعی اصلاح و بازنگری در قوانین موجود می‌باشیم.

بطور کلی رویکرد نویسندگان قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ نسبت به استفاده از آموزه‌های نوین کیفرشناختی و جرم‌شناختی موجود از جمله آموزه‌ها و دستاوردهای جرم‌شناسی انتقادی، از رهگذر قانون جدید مجازات اسلامی رویکرد مثبت و رو به جلویی قلمداد می‌شود و این امید می‌رود که مقنن در سایه این تحولات گام مثبتی در جهت اصلاح و کارایی عملکرد نظام عدالت کیفری خود در سایه تغییر انواع و میزان مجازات‌ها، نحوه رسیدگی به جرایم، جرم‌انگاری، قضاودایی، کیفرزدایی، جرم زدایی، حفظ حقوق زنان، کودکان، بزه‌دیدگان و نظایر اینها به جلو بردارد. بدین ترتیب توجه آگاهانه به آموزه‌های جرم‌شناسی و تجارب کشور های دیگر در استفاده از این آموزه‌ها باعث انعطاف و افزایش صلابت و کارایی حقوق جزا در بین مردم می‌گردد.

## منابع

۱. آخوندی، م. ۱۳۸۷. آیین دادرسی کیفری. جلد ششم، چاپ نخست، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آلت مئس، ف. ۱۳۸۵. قراردادی کردن حقوق کیفری: افسانه یا واقعیت؟ ترجمه‌ی فرج الهی، ر. مجله حقوقی دادگستری. شماره ۵۴: ۱۸۸ - ۱۶۵.
۳. بابائی، م، ع. ۱۳۹۱. چالش‌های نظری عدالت ترمیمی و جلوه‌های آن در لایحه آیین دادرسی کیفری، دایرالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی). چاپ نخست، تهران: انتشارات میزان.
۴. بابایی، م، ع؛ غلامی، م. ۱۳۹۱. مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، ۸۰: ۳-۵۹.
۵. بوریکان، ژ. ۱۳۸۶. پدیده قراردادی سازی آیین دادرسی کیفری. ترجمه خالقی، ع. دو فصلنامه علوم جنایی و ۲.
۶. جوانمرد، ب. ۱۳۸۴. بررسی پیش نویس لایحه آیین دادرسی دادگاه اطفال و نوجوانان با نگاهی به تجربه قانونگزاری در گذشته، مجله کانون وکلا. ۲۲: ۸۱ - ۵۸
۷. جوانمرد، ب. ۱۳۹۰. خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه دیده. مجله قضاوت، ۱۳: ۶۹-۶.
۸. دیکسردی و. ۱۳۹۰. جرم‌شناسی انتقادی معاصر. ترجمه م. ر صدیق بطحایی اصل، چاپ اول، تهران: انتشارات رامان.
۹. شاملو، ب. ۱۳۹۱. تحول در اصول‌گرایی علم حقوق در پرتو پست مدرنیسم، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علم جنایی) کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
۱۰. شیری، ع. ۱۳۸۵. پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۷۴: ۲۴۵-۲۱۳.
۱۱. صفاری، ع. ۱۳۸۳. درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن. علوم جنایی؛ مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. عباسی، م. ۱۳۸۲. افق‌های نوین عدالت ترمیمی؛ میانجی کیفری. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشور، صفحه
۱۳. عباسی، م. ۱۳۸۲. عدالت ترمیمی، دیدگاه نوین عدالت کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۹: ۱۲۸-۸۵.

۱۴. غلامی، ح. ۱۳۸۴. بررسی جایگاه عدالت ترمیمی در پیش نویس لایحه آیین دادرسی کیفری، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۱۵ و ۱۶:۳۳۶-۳۳۴.
۱۵. فتاح، ع. ا. ۱۳۷۷. آینده جرم‌شناسی، ترجمه رحیمی‌نژاد، الف، مجله نامه مفید، ۱۶.
۱۶. کلنووسکی، پ. ۱۳۹۰. جرم‌شناسی صلح طلبانه، علت‌شناسی جرم یا فلسفه زندگی، ترجمه کاظمی جویباری، م، مجله حقوقی داور، ۵.
۱۷. کرون، ج. ۱۳۹۰. جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی. ترجمه نوابخش، م؛ کرمی، ف. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۱۸. مودن زادگان، ح. ۱۳۸۳. دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران، مجله ندای صادق، ۳۳: ۱۶۱-۱۳۹.
۱۹. مودن زادگان، ح. ۱۳۸۲. سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، ۶۳ و ۴۰: ۶۲-۱۳.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۴. زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری. چاپ نخست، تهران: انتشارات سلسبیل.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۲. بررسی جرم‌شناسی اطفال - با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، فصلنامه آرا - نشریه داخلی دادگستری استان خوزستان، ۷-۸: ۶۳-۹.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۳. از زنان بزهکار تا زنان زندانی، مجله اصلاح و تربیت، ۲۶: ۳۲-۳۰.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۲. میانجی‌گری کیفری جلوه‌ای از عدالت ترمیمی. (دیباچه در): افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجی‌گری کیفری، نوشته عباسی، م. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشور.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، ع. ح و دیگران. ۱۳۸۴. عدالت برای بزه‌دیدگان (میزگرد)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۷. عدالت ترمیمی. (دیباچه‌ی مترجم برای ویراست دوم)، (مندرج در): پرادل، ژ. تاریخ اندیشه‌های کیفری، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، ع. ح و دیگران. ۱۳۸۷. اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۳: ۱۲۲-۱۰۳.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۲. از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی (الهیات و فقه)، سال سوم، ۱۰-۹.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۹۰. از جرم‌شناسی تا آسیب‌شناسی اجتماعی، مجله تحقیقات حقوقی (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۵۶.
۲۹. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۹۱. جرم‌شناسی حقوقی، دایرالمعارف علوم جنایی. (مجموعه مقاله تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۳۰. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۸. از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار، (دیباچه در): حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، تالیف عباچی، م، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۳۱. نجفی ابرندآبادی، ع. ح؛ هاشم بیگی، ح. ۱۳۸۳. دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری گنج دانش.
۳۲. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۴. سیاست جنایی علوم جنایی. جلد دوم، چاپ نخست، تهران: انتشارات سلسبیل.
۳۳. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۸. رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی (دربارۀ رابطۀ آیین دادرسی کیفری با جرم‌شناسی) مجموعه مقالات حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نشرگرایش).
۳۴. نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۸۸. کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، زیر نظر دکتر نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

۳۵. نجفی ابرنآبادی، ع.ح. ۱۳۸۳. بزهکاری اطفال در حقوق ایران و لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان (میزگرد)، مجله حقوقی دادگستری، ۴۵: ۶۰ - ۸.
۳۶. نیازپور، ا. ح. ۱۳۹۰. توافقی شدن آیین دادرسی کیفری. چاپ نخست، تهران: انتشارات میزان.
۳۷. نیازپور، ا. ح. ۱۳۹۰. از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ۱: ۶۶ - ۴۹.
۳۸. وایت، ر؛ هینز، ف. ۱۳۸۳. جرم و جرم‌شناسی. (کتاب دوم مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی)، ترجمه ع سلیمی؛ م کارخانه؛ ف مخاطب قمی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳۹. وایت، ر؛ هینز، ف، ۱۳۸۲. درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی. ترجمه م. ر صدیق بطحایی اصل، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.
۴۰. ویلیامز، ف و مک شین، م. ۱۳۸۳. نظریه‌های جرم‌شناسی. ترجمه ملک محمدی، ح، ر. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

# Critical criminology and its teachings in the Penal Code Act of 1392

Maryam Shirmohammadi

*MA Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University of Ayatollah Amoli, Amol, Iran*

---

## Abstract

Development of Criminology today because of the policy of criminal teachings of Criminology to be recognized as a crime of a true knowledge-oriented and located between the well speaks, should not do, idealistic and idealist, not, recent scientific criminology and criminal law, but the effects of dramatic and profound changes in many countries in criminal law is to Vjvdavrdh. efficiency strategies discussed Jrm-Shnasy common cause of understanding the masses, suitable for Jrm-Shnasy Arayh-Y critical views in the area to protest the current state of society and criminal justice institutions. This provides a critical and conflicting views in the form of multiple views and varied within a consistent approach to criminology as critical Jrm-Shnasy St. he also unequal and discriminatory society in the search for stems. In the context of the Penal Code through drafting and adoption of regulations including serious attention to the criminal process debugging, decriminalization and diversion improve performance of this system through the use of strategies and alternative strategies in the form of mechanisms are many and varied, such as, alternatives to punishment imprisonment, suspended sentences, and semi-free system Mshvrtv also criminal liability of legal persons and the gradual acceptance of the teachings of the crime of criminal responsibility for children in the context of the show itself.

**Keywords:** Critical criminology, teaching criminology, De punishment.

---